



۲۰۱۷/۰۳/۰۳



م. نسیم اسیر
ملک الشعراء افغان ها در هجرت

کابل خون آلود!

این منظومه را پوره بیست و چار سال پیش، هنگام یخن دریدن های تنظیمی سروده بودم، به امید آنکه دامنه خونریزی ها برچیده و مردم صبور و مظلوم وطن در سایه صلح و آرامش زندگانی نمایند. خونریزی های مداوم و مکرر تا هنوز ادامه دارد. واقعه خونین و دردناک دو روز پیش در کابل مرا به یاد این سروده انداخت که پیشکش می کنم:

باز در کابل ویران شده خون می ریزد
هر کجا میگری وحشت و دهشت فگنیست
جنگ اضداد گریبان اخوت بدرید
ما به پندار وفاقیم درین شهر، مگر
خرمن هستی مردم همه رفته است به باد
دامن جنگ و عداوت ز وطن چیده نشد
«بربزرگان زمانه شده خُردان سالار»
پیش آهنگ طریقت به شریعت نرود
دامن آلوده ازین معرکه بیرون آمد
واعظ شهر، دم از لطف و عنایت می زد
آنکه با ما به سر مائده صلح نرفت
بر سر بی گنهان، سقف و ستون می ریزد
هر طرف می نگری، جهل و جنون می ریزد
هر یکی خون برادر به شگون می ریزد
نظم خورده است بهم، فتنه کنون می ریزد
رنج و بیداد ز اندازه برون می ریزد
بغض و نفرت ز قلوب و ز عیون می ریزد
بر کریمان زلنیمان، چه و چون می ریزد
بسکه از هر عملش مکر و فسون می ریزد
مرشد ما به ریا از مژه خون می ریزد
بنگر امروز که خون همه، چون می ریزد
باده ها در قدح دشمن دون می ریزد

خلق اگر مصلحت کار نیندیشد «اسیر»

کاخ امید ز بیرون و درون می ریزد

م. نسیم «اسیر» دسمبر ۹۳م، بن المان